



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

مدارج علمی

رساله سطح سه با عنوان

بررسی سلفی‌گری

در شبهه قاره هند

پایان نامه سطح سه

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین نجم‌الدین طبسی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین مهدی فرمانیان

تهیه کننده: حسن منتظری

سال ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

ثواب این اثر ناچیز را خاضعانه به ارواح چهارده معصوم علیهم‌السلام و به آن که فقها و عالمان دین ریزه‌خوار خوان
گرمش هستند یعنی دخت گرامی امام هفتم حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام که سالیانی است سر سفره بابرکت آن بانو
هستم (أستل الله أن یرینا فیکم السرور و الفرج و أن یجمعنا و إیاکم فی زمرة جدکم محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و أن
لا یسلبنا معرفتکم)

و همچنین تقدیم به ارواح پاک شهدای اسلام بویژه شهید محمود، شعبان، علیرضا و موسی.

تقدیر و تشکر

تقدیر و تشکر و سپاس از استاد گرانمایه حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای نجم الدین طبسی که به عنوان استاد راهنما بزرگوارانه رهنمودهای علمی و مشفقانه خود را شمع راه این حقیر قرار داده است. و با تشکر از استاد گرامی و پرتلاش حضرت حجت الاسلام و المسلمین مهدی فرمانیان به عنوان استاد مشاور، با بنده همکاری نموده و با نظرات اصلاحی و مفید خویش در غنای این رساله یاری‌ام نمودند. امید است که خداوند ظهور ولی نعمت‌مان مهدی فاطمه را نزدیک گرداند.

چکیده

تاریخ اهل حدیث و سلفی‌گری در شبه قاره^۱ به دوران قبل از شاه ولی الله دهلوی متوفی (۱۱۷۶ق) برمی‌گردد. ولی الله توجه و عنایت ویژه‌ای به علوم قرآن و سنت به عنوان دو منبع اساسی مبذول داشتند و سعی و تلاش فراوانی علیه تقلید به خرج دادند.

ایشان مطالعه حدیث را که پیش از این در قرن دهم توسط عبدالحق دهلوی در هند احیاء کرده بود نیروی تازه بخشید.^۲

دهلوی توانست تمام آرایش‌هایی را که پیوندی با اسلام نداشت مانند توهمات متصوفین و سایر بدعات رایج آن دوران را به طور کلی بزدايد.

بعد از رحلت شاه ولی الله فرزندش عبدالعزيز دهلوی (۱۷۴۶ - ۱۸۲۴م) و نوه او شاه اسماعیل (۱۷۸۱ - ۱۸۳۱) افکار او را ادامه دادند مولوی عبدالعزيز در همان حال که به شدت موضع ضد شیعی پدرش را حفظ کرد، در مقام رئیس محدثان هند فتوی مهم خود را درباره جهاد علیه انگلیس صادر و اعلام کرد.^۳ و در عرصه جهاد و تبلیغ و دعوت گام گذاشتند و حرکت‌هایی را در نشر تعالیم اسلام برداشتند.

بعد از کشته شدن اسماعیل دهلوی در نبرد (بالاکوت) هدف ایشان به صورت حزبی با اهداف و اصول و منهج خاص ادامه پیدا کرد تا اینکه شیخ محدث، نذیر حسین دهلوی متوفی. ۱۳۲. وارد عرصه دعوت و تبلیغ شد. او به مدت شصت سال تمام تدریس علوم و معارف شرعی را در مدرسه جامعه نذیر حسین که به نام

۱. منظور از شبه قاره جایگاه مذهبی هند، پاکستان و بنگلادش می‌باشد.

۲. تاریخ تفکر اسلامی در هند، عزیز احمد، ص ۱۵.

۳. مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، سید علی خامنه‌ای، ص ۱۵۶.

خودش بود ادامه داد ایشان در نشر و گسترش دعوت سلفی در حوزه بسیار وسیع در شبه قاره تلاش کرد.^۱

همچنین روحانی سلفی معروف نواب صدیق حسن خان بهوپالی متوفی ۱۳۰۷ نیز نقش زیادی را در گسترش و تقویت نهضت اهل حدیث ایفا نمود.

نامبرده یک تشکل علمی‌ای از علماء سلفی را بنا نهاد که به تألیف، ترجمه، و تدریس علوم اسلامی پرداخت و با هزینه شخصی خود به چاپ و توزیع کتب توجه ویژه‌ای را مبذول داشت - از جمله فتح الباری در شرح صحیح بخاری.^۲

در سال ۱۳۲۴ هجری - علماء سلفی تشکیل جمعیت یا انجمنی را جهت مقابله با تهدیدهای زمان و گسترش دعوت میان فرزندان مسلمان بر اساس روش طی شده به تصویب رساندند و در همان سال جمعیتی تحت عنوان (کنفرانس اهل حدیث سرتاسر هند) زیر سرپرستی علامه ثناءالله امر تسری را بنا نهادند علامه ثناءالله بنیان افکن فتنه قادیانی است و در شبه قاره هند بعداً اسم این کنفرانس به جمعیت اهل حدیث هند تغییر یافت.

در سال ۱۹۴۷ م سال تقسیم شبه قاره به هند و پاکستان - طرفداران جمعیت اهل حدیث در دو کشور تقسیم شدند و برای مدت کوتاهی حرکت و فعالیت جمعیت به سستی گرایید - چون آنها بزرگترین مؤسسه آموزش خود را در دارالحدیث رحمانی دهلی از دست دادند.

در ادامه نهضت جماعت اهل حدیث مورد نکوهش و ملامت در هند قرار گرفتند و به مزدوری وهابی‌ها و ملک عبدالعزیز بن آل سعود متهم شدند - زیرا همیشه مورد حمایت ملک عبدالعزیز بودند. دعوت محمد بن عبدالوهاب هم زمانی وارد شبه قاره شد که استعمار انگلیس سلطه خود را در تمام مناطق هند گسترش می‌داد - علماء اهل حدیث تنها کسانی بودند که دعوت محمد بن عبدالوهاب را حمایت می‌کردند این حمایت از ناحیه علماء اهل حدیث زمانی انجام گرفت که به مجرد منسوب شدن به وهابی شخص را می‌کشتند و واژه وهابی به عنوان ناسزا و دشنام به کار می‌رفت.^۳

۱. علماء اهل الحدیث فی الهند، - ابوالمکرم بن عبدالجلیل، ص ۱۸.

۲. همان ص ۲۱

۳. تاریخ الاسلام فی الهند، دکتر عبدالنعم النمر، ص ۵۲۲.

اگر بگوییم شبه قاره هند پیشکسوت کشورهایی بود که صدای مخالفت با این نهضت از میان آنها بلند شد و بدترین دشنام‌ها را متوجه شخصیت محمدبن عبدالوهاب کرد سخنی به گراف نگفته‌ایم.^۱

در نتیجه این عملکرد - رویکرد هند - رویکردی بسیار خشن و منفی علیه دعوت و نهضت محمدبن عبدالوهاب بود بحث و مناظرات بسیار حادی میان مخالفان و حامیان دعوت محمدبن عبدالوهاب شکل گرفت.

علاوه بر اینها - احزاب دینی متعددی و معروفی در آن روزگار شبه قاره هند وجود داشت که در ردّ و نفی نهضت محمدبن عبدالوهاب نقش ایفا کردند که عبارتند از: جماعت البریلویه، علماء دیوبند، جماعة الشیعة - ما در این نوشتار سعی و تلاش می‌کنیم به بیان دیدگاه‌های مخالف و موافق این حرکت پردازیم.

والسلام

۱. علماء اهل الحدیث فی الهند، شیخ ابوالمکرم بن عبدالجلیل، ص ۲۵.

فهرست مطالب

ج	تقدیم
د	تقدیر و تشکر
هـ	چکیده
۱	مقدمه
۱	اهمیت و فوائد و اهداف
۲	تبیین موضوع
۵	سؤالات اصلی و فرعی
۶	روش تحقیق
۶	پیشینه تحقیق

فصل اول

۷	سلفی‌گری
۷	الف) نگاهی مختصر در تاریخچه، ریشه‌ها
۹	■ معنای لغوی سلف
۹	■ سلف در اصطلاح
۱۱	نگاهی مختصر به عقاید سلفیان
۱۱	۱. صفات خیریه
۱۲	۲. استغاثه و توسل به غیر خدا
۱۳	اسلام در شبه قاره
۱۴	مطالعات اعتقادی در هند
۱۷	تاریخ تفکر تشیع در شبه قاره
۱۷	شیعه در شمال هند

فصل دوم

۱۹	نشانه‌های ظهور سلفی‌گری در شبه قاره هند
۱۹	شاه ولی الله دهلوی
۱۹	پدران و نیاکان شاه ولی الله

۲۰	اساتید و تفکرات شاه ولی الله دهلوی.....
۲۲	آراء و عقاید ولی الله دهلوی.....
۲۳	بیان حقیقت شرک.....
۲۳	اقسام و مظاهر شرک.....
۲۴	دیدگاه دهلوی در باره تأویل صفات.....
۲۴	بنیادگرایی شاه ولی الله و پیدایش حدیث گرایی در هند.....
۲۵	تألیفات علمی.....

فصل سوم

۲۷	قیام سید احمد بارلی و گسترش سلفی‌گری در شبه قاره (۱۷۸۶ - ۱۸۳۱م).....
۲۷	■ مبارزات او.....
۲۸	■ گرایش‌های اعتقادی سید احمد بارلی.....
۲۹	■ سفر تبلیغی و جهادی سید احمد.....
۳۱	■ تألیفات سید احمد.....
۳۲	نتیجه.....

فصل چهارم

۳۳	شاه عبدالعزیز دهلوی و نقد شیعه.....
۳۳	■ زندگی نامه.....
۳۳	■ شاگردان او.....
۳۳	■ کوشش‌ها و آثارش.....
۳۴	■ تألیفات او.....
۳۵	تحفة اثنا عشریه.....
۳۶	مباحث مورد بحث کتاب تحفه اثنی عشریه.....
۳۶	برخی افتراات این کتاب بر علیه شیعه.....
۳۹	پاسخ‌هایی بر تحفه اثنی عشریه.....
۳۹	میر حامد حسین هندی و کتاب مشهور عبقات الانوار.....
۴۰	مجلداتی که میر حامد حسین نوشته.....

فصل پنجم

- ۴۱ بررسی عقبه‌های فکری جنبش‌های معاصر در شبه قاره و رابطه آن با گرایش حدیث‌گرایی در احناف
- ۴۱ مقدمه
- ۴۲ ۱. دیوبندیه
- ۴۳ ■ عقاید دیوبندیه
- ۴۴ الف) زیارت
- ۴۴ ب) آداب صوفیان
- ۴۵ ج) صفات الهی در نزد علماء دیوبند
- ۴۵ د) مقام پیامبر ﷺ
- ۴۶ ه) بزرگداشت موالد
- ۴۶ ۲. جماعت تبلیغی
- ۴۶ آشنایی با شخصیت و اندیشه‌های بنیانگذار جماعت تبلیغی
- ۴۸ اصول بنیادین جماعت تبلیغی
- ۴۸ توضیح این شش کلمه
- ۴۹ نواقص فکری و عملی جماعت تبلیغی
- ۴۹ ۱. توجه به ایمان و غفلت از عمل
- ۵۰ ۲. تفکیک میان نماز و زکات
- ۵۱ نصاب تبلیغی
- ۵۲ ۱. فضایل نماز
- ۵۲ ۲. فضایل رمضان
- ۵۳ ۳. فضایل تبلیغ
- ۵۳ ۴. فضایل درود شریف
- ۵۳ ۵. فضایل ذکر
- ۵۴ ۶. حکایات صحابه
- ۵۴ جایگاه دینی فضایل اعمال
- ۵۵ مراکز جماعت تبلیغی

۵۶	۳. بریلویه
۵۷	مدارس بریلویان
۵۸	تالیفات احمد رضا خان
۵۸	آراء و عقاید بریلویه
۶۰	شفاعت
۶۰	علم غیب
۶۰	تعلیمات و هدایای بریلوی
۶۱	۴. جمعیه العلماء (۱۹۱۹)
۶۲	اهداف مذهبی جمعیت العلماء
۶۲	برنامه‌های ده ماده‌ای جمعیت العلماء
۶۳	ابوالکلام آزاد
۶۴	نتیجه
۶۵	جمعیت العلماء و مولوی مدنی
۶۶	جمعیت العلمای پاکستان
۶۶	■ تأسیس و فعالیت
۶۷	■ بینش و اندیشه
۶۸	■ مواضع سیاسی جمعیت
۶۹	نتیجه

فصل ششم

۷۰	دعوت سلفی‌گری در هند بین موافقین و مخالفین
۷۱	جامعه اهل حدیث و موضع آن درباره نهضت محمد بن عبدالوهاب
۷۳	شرح حال برخی از علماء اهل حدیث در شبه قاره
۷۳	۱. نواب صدیق حسن خان قنوجی بهویالی (۱۲۴۸ - ۱۳۰۷)
۷۳	موضع نواب صدیق حسن خان درباره دعوت محمد بن عبدالوهاب
۷۴	کتاب اتحاف النبلاء المتقین باحیاء مآثر الفقهاء المحدثین
۷۵	کتاب هداية السائل الى ادله المسائل

- ۷۶ کتاب ترجمان الوهائیت
- ۷۷ الوهائیه به معنی جماعت شیخ محمد بن عبدالوهاب
- ۷۸ ۲. شیخ بشیر الدین القنوجی (۱۲۹۶ - ۱۲۳۴)
- ۷۸ ۳. شیخ عبدالله غزنوی متوفای (۱۲۹۸)
- ۷۹ ۴. شیخ محمد بشیر السهوانی (۱۲۴۵ - ۱۳۲۶)
- ۸۰ ۵. شیخ عبدالحلم شرر لکنوی ۱۲۷۶ - ۱۳۴۵
- ۸۱ موضع ایشان درباره دعوت شیخ محمد بن عبدالوهاب
- ۸۱ ۶. شیخ ثناء الله امرتسری ۱۳۶۸
- ۸۲ موضع ایشان درباره شیخ محمد بن عبدالوهاب
- ۸۲ ۷. شیخ محمد اسماعیل غزنوی متوفای ۱۹۶۰ میلادی
- ۸۳ ۸. حافظ شیخ محمد امین متوفی ۱۳۸۶ هـ ق
- ۸۳ موضع ایشان پیرامون اهل حدیث در پرتو روزنامه‌ها و مجلات
- ۸۵ خلاصه سخن
- ۸۵ بریلوی‌ها و موضع آن‌ها درباره دعوت شیخ محمد بن عبدالوهاب
- ۸۶ شمه‌ای از اقوال آنها درباره جماعت محمد بن عبدالوهاب
- ۸۷ دیوبندی‌ها و مواضع آنها درباره دعوت شیخ محمد بن عبدالوهاب
- ۸۸ ۱. شیخ حسین احمد مدنی (متوفی ۱۳۷۷)
- ۸۹ مسأله تکفیر مسلمین
- ۸۹ مسأله حیات النبی ﷺ (زنده بودن پیامبر)
- ۹۰ شد الزحاح (قصد سفر)
- ۹۱ بی ادبی و هابی‌ها در حق رسول ﷺ و منکر فضیلت ایشان
- ۹۲ توسل به رسول اکرم و سایر انبیاء و اولیاء بعد از وفات
- ۹۳ اشتغال به تصوف و اشتغال باطنه
- ۹۴ بی ادبی در مورد ساحت ائمه اربعه اهل سنت
- ۹۴ اثبات جهت و استواء برای خدا
- ۹۴ به کار بردن حرف نداء «یا» برای رسول الله ﷺ

- خواندن دلایل خیرات قصیده برده و قصیده همزیه ۹۶
- انکار شفاعت رسول الله ﷺ ۹۷
- عدم اعتراف علوم باطنی برای رسول اکرم ﷺ ۹۷
- منع از ذکر مولد شریف ۹۷
- تبرئه علمای دیوبند از شیخ محمد بن عبدالوهاب توسط شیخ مدنی ۹۸
- گفته‌های محمد منظور نعمانی در جهت اثبات رجوع شیخ مدنی ۹۸
- نقد سخنان نعمانی ۹۸
- تصریح شیخ مدنی مبنی بر عدم رجوعش ۹۹
- کتاب نقش حیات مدنی ۹۹
۲. شیخ خلیل احمد سهارنپوری (متوفی ۱۳۴۶) ۱۰۰
- علت تألیف کتاب المهند علی المقند ۱۰۰
- موضع او درباره شیخ محمد بن عبدالوهاب و جماعتش ۱۰۰
- دفاع نعمانی از سهارنپوری ۱۰۴
۳. شیخ محمد انور شاه کشمیری متوفی ۱۴۵۲ هجری ۱۰۵
- انتقاد علامه کشمیری در حق ابن تیمیه ۱۰۸
۴. شیخ محمدحسن سنهلی ۱۰۸
۵. شیخ ظفر احمد تهانوی دیوبندی ۱۰۸
۶. مولوی محمد تهانوی متوفی ۱۲۹۶ ۱۰۹
- موضعش درباره پیروان شیخ محمد بن عبدالوهاب ۱۰۹
۷. شیخ مولوی عبدالشکور حنفی متوفی ۱۳۸۱ ۱۱۰
- درباره دعوت محمد بن عبدالوهاب ۱۱۰
- سخنان بشیر احمد عثمانی در کنگره مکه مکرمه ۱۱۱
۸. شیخ رشید احمد گنگوهی ۱۱۳
- موضعش درباره شیخ محمد بن عبدالوهاب ۱۱۴
- مولوی محمد حسن جان سرهندی مجددی ۱۲۷۸ هجری ۱۱۴
- شرح حال او ۱۱۴

- ۱۱۵ ■ تألیفات او
- ۱۱۵ ■ ویژگی او
- ۱۱۶ تعظیم غیر خدا
- ۱۱۷ تعظیم حضرت پیامبر از منظر قرآن
- ۱۱۹ توسل
- ۱۲۰ ۳. سماع موتی
- ۱۲۰ ۴. زیارت روضه حضرت رسول اکرم از منظر سنت

فصل هفتم

- ۱۲۲ رابطه سلفی‌گری با طالبان و القاعده
- ۱۲۲ مقدمه
- ۱۲۴ عربستان و نقش آن در ایجاد وهابیان افغانستان
- ۱۲۶ ظهور طالبان به عنوان یک جنبش اصلاح طلب
- ۱۲۷ همکاری حکومت افغانستان با دیوبندی‌ها
- ۱۳۰ دارالعلوم حقانی و نقش سمیع الحق در پرورش طالبان
- ۱۳۰ ارتباط سمیع الحق با ملا عمر
- ۱۳۲ ملا محمد عمر رهبر طالبان
- ۱۳۳ ■ زندگینامه
- ۱۳۴ طالبان و حقوق بشر
- ۱۳۵ یکاؤلنگ
- ۱۳۵ اسلام طالبانی
- ۱۳۶ فتاوی طالبانی
- ۱۳۶ زنان و طالبان
- ۱۳۷ طالبان و بدعت‌ها
- ۱۳۷ موسیقی، فیلم و عکس
- ۱۳۷ القاعده
- ۱۳۸ زمینه‌های تاریخی - سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل‌گیری القاعده

- ۱۳۹ فرایند مقدماتی تشکیل سازمان القاعدة
- ۱۴۰ اهداف آمریکا، پاکستان و عربستان
- ۱۴۰ ■ اهداف و منافع عربستان
- ۱۴۰ پایان جنگ افغانستان
- ۱۴۱ نام القاعدة
- ۱۴۵ خلافت و حکومت دینی (فقہی - سلفی) در ایدئولوژی القاعدة
- ۱۴۶ راهبردهای القاعدة
- ۱۴۷ وجود دیدگاه‌های متفاوت در میان رهبران القاعدة
- ۱۴۸ خلاصه کلام
- ۱۵۰ نتیجه پایانی رساله
- ۱۵۳ منابع فارسی
- ۱۵۵ منابع عربی
- ۱۵۸ فهرست اعلام



مقدمه

یکی از جریان‌های بسیار مهم سلفی‌گری در جهان اسلام، سلفیه شبه قاره هند است که تأثیر آن بر اهل سنت شرق و جنوب ایران مشهود است. ویژگی این سلفی‌گری افراط‌گری و موضع‌گیری خصمانه نسبت به تشیع و شیعیان بلکه تمامی مذاهب اسلامی است که با همان دیدگاه بنیادگرایانه و به گونه‌ای مشابه وهابیان است. این سلفی‌گری که در قالب مکتب اهل حدیث و ابن تیمیه و طریقه نقشبندیه در شبه قاره تجلی پیدا کرد، به عقاید مذهب شیعه حمله کرد و بدین طریق به درگیری‌ها و جدال‌های موجود میان اهل سنت و شیعیان هند دامن زده شده است.

ادامه اینگونه خصومت‌ها و اختلافات، در کنار سوابق تاریخی آن، تأثیر خود را بر اندیشه و عمل رهبران و علمای سنی حتی اندیشمندی چون شاه ولی‌الله دهلوی گذاشت که کتابی با عنوان ازاله الخفاء عن خلافة الخلفاء علیه شیعه نوشت و به عقاید شیعه حمله کرد. در مواردی دیگر، او برخی از مراسم و آداب مذهبی شیعیان را محکوم کرد و آنها را دارای منشأ غیر اسلامی دانست.

اهمیت و فوائد و اهداف

در گذشته سلفیت و وهابیت در شبه قاره هند طرفداران زیادی نداشته، با رشد و گسترش حدیث‌گرایی و ظهور علمایی که گرایش حدیثی داشتند زمینه را برای سلفیت فراهم نمودند و از سویی مناطق شرق کشورمان ایران تحت تأثیر اعتقادی شبه قاره قرار دارند. جا دارد که تحقیق مناسبی درباره زمینه‌های نفوذ و گسترش سلفیه در شبه قاره و در نتیجه شرق کشور ارائه شود و بررسی و تبیین اختلافات و اشتراکات شبه قاره با سلفی‌گری و تأثیر وهابیت و سلفی‌گری در شبه قاره به عنوان هدف تحقیق ارائه می‌گردد.

تبیین موضوع

به دنبال انحطاط فکری و فرهنگی مسلمانان هند در قرن دهم و یازدهم - مصلحانی در صدد حل و رفع - نابسامانی‌های فکری، مذهبی و اجتماعی بودند، از جمله این مصلحان عبد الحق دهلوی (۹۵۸ - ۱۰۵۲) بود که در برابر بدعت‌های موجود، جنبش مقابله با صوفیان و بدعت‌ها را در هند آغاز کرد او یک متکلم، مسلط بر علوم کلامی به مطالعه در حدیث و تفسیر قرآن و ارائه آثاری در این زمینه پرداخته بود. معاصر او شیخ احمد سرهندی (۹۷۱ - ۱۰۳۴) عارف مشهور فرقه نقشبندی هند نیز مطابق دیدگاه خود مبارزه شدیدی را با انحرافات صوفیه و نیز با بعضی از علمای مذهبی آغاز کرد او در مجموع نقش و تأثیر مهمی در احیای گرایش‌های بنیادگرایانه در میان مسلمانان هند داشت.

بعد از این دو شاه ولی الله دهلوی (۲۱۷۶ - ۱۱۲۴) که از فساد و انحطاط جامعه اسلامی و تفرقه مذهبی رنج می‌برد به ضرورت اصلاح و نوآوری و تحول فکری متناسب با اوضاع و احوال عصر خود پی برد او به رغم گرایش‌های صوفیانه‌اش که مستقیماً در تعالیم فرقه نقشبندی ریشه داشت، با طرح شعار بازگشت به اسلام و به ویژه رفع تفرقه از میان مسلمانان سنی و ایجاد وحدت و تلفیق میان مذاهب اسلامی (غیر از تشیع) و آشیتی دادن پیروان آن مذاهب و مکاتب صوفیانه همت گماشت.^۱

جنبش شاه ولی الله در ابتدا، جنبش فکری و اصلاحی بود اما پس از او پسرش شاه عبد العزیز (۱۷۴۶ - ۱۸۲۴ م) و نوه‌اش شاه اسماعیل (۱۷۸۱ - ۱۸۳۱ م) آن را به یک جنبش سیاسی تبدیل کردند.

شکلی که ولی الله برای اسلامش در نظر می‌گرفت آشکارا رنگ تصوف داشت، و اسلام او از اسلام وهابیان وسعت بیشتری دارد و غنی‌تر است و نیز دارای انعطاف بیشتر و لکن بنیادگرایی شاه ولی الله همانند ابن عبدالوهاب، مخالفت با اعتقادات کلامی شیعیان است پس نمی‌توان به پیامبران متوسل شد و یا از آنها استمداد جست.^۲

موضع‌گیری خصمانه شاه ولی الله نسبت به تشیع و شیعیان نیز با همان دیدگاه بنیادگرایانه و به گونه‌ای

۱. تاریخ تفکر اسلامی در هند، عزیز احمد، ص ۱۴ - ۱۵.

۲. همان ص ۱۷.

مشابه وهابیان بود که با شعار بازگشت به قرآن و سنت و طرد شرک و بدعت در قالب مکتب اهل حدیث و ابن تیمیه و طریقه نقشبندیه می‌باشد. ایشان به درگیری‌ها و جدال‌های موجود میان اهل سنت و شیعیان در هند دامن زد.^۱ نهضت سید احمد بارلی (۱۷۸۲ - ۱۸۳۱ م) نیز نهضت فکری و اصلاحی و دینی و سیاسی و متأثر از آراء و عقاید دینی و سیاسی شاه ولی الله بود که بعد از او با هدف پاکسازی جامعه اسلامی از عقاید و اعمال غیر اسلامی و بازگشت به اسلام نخستین ایجاد گردید.^۲

جنیش علیگر که بر اندیشه‌های سر سید احمد خان (۱۸۹۸ - ۱۸۱۷)، استوار بود، تاکید داشت که مسلمانان هند برای رهایی از عقب ماندگی به ویژه فشار ناشی از قیام ۱۸۵۷ باید علوم جدید همچون زبان انگلیسی را فرا بگیرند و به جای درگیری با انگلیسیها هم زیستی را با آنها برگزینند.

سر سید احمد خان برای عملی کردن افکار و اندیشه‌های خود به فعالیت‌های آموزشی روی آورد و در سال ۱۸۶۳ جامعه ادبی محمدان و برای ترجمه کتب انگلیسی به زبان اردو جامعه علمی غازی پور را در سال ۱۸۶۴ م بنیاد نهاد.

سر سید احمد خان در سال ۱۸۶۸ م از انگلیس دیدار کرد و در آنجا با ظواهر نوگرایی و پیشرفت آشنا شد بعد از بازگشت دو کار بزرگ را انجام داد:

۱. مجله تهذیب الاخلاق را منتشر کرد تا مسلمانان هند را با مفاهیم نوگرایی و پیشرفت آشنا کند.
 ۲. دانشکده انگلیسی شرقی محمدان را در سال ۱۸۷۸ در علگیر تأسیس کرد.^۳
- سر سید احمد خان از نظر فکری اسلام سازگار با پیشرفت را مطرح می‌کرد و از یک سو می‌کوشید مسلمانان را قانع کند که اسلام با علوم جدید سازگار و همسوست و از سوی دیگر می‌کوشید اسلام را در نزد غریبه‌ها دینی عقل‌گرا و حائز احترام معرفی کند ایشان تقلید را برای فکر بشر ویرانگر می‌دانست پس وی دیدگاه سنتی اسلام را مانع حقیقی بر سر راه پیشرفت مسلمانان می‌دانست و بر این باور بود که باید بانو گرایی در اسلام آن را با شرایط سیاسی - فرهنگی و فنی دوره جدید هماهنگ و سازگار کرد.

۱. مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، سید علی خامنه‌ای، ص ۱۵۶.

۲. تاریخ تفکر اسلامی در هند، عزیز احمد، ص ۱۸.

۳. همان، ص ۲۴.

در مجموع ایشان با وجود نقد و اعتراض بعضی جریان‌ها و شخصیت‌های مسلمان تا پایان زندگی بر اندیشه‌های خود پایدار ماند و نهضت او حدود نیم قرن در رهبری سیاسی و اجتماعی مسلمانان هند اثری تعیین کننده نهاد.^۱

از حرکت‌های تأثیرگذار در شبه قاره دارالعلوم دیوبند است که در سال ۱۲۸۳ پنزدهم محرم در منطقه‌ای در نود مایلی شمال شرقی دهلی و در ناحیه سهارانپور تأسیس شد که بعدها به عنوان مکتب دیوبند معروف گردید. بنیانگذاران آن محمد قاسم نانوتوی با کمک حاجی عابد حسین، رشید احمد گنگوهی، ذوالفقار علی و فضل الرحمان و چند تن دیگر از علماء می‌باشند.

نخستین شاگرد این مکتب محمود الحسن بود که بعدها در شمار مهمترین رهبران مسلمانان هند قرار گرفت برنامه درسی مکتب دیوبند شامل درس‌های سنتی چون عربی، عروض، بدیع، معانی، بیان، کلام، فقه تفسیر، طب، قرآن، حدیث، منطق، فلسفه و علوم تجربی می‌باشد. و از زبان انگلیسی یا علوم جدید در آن خبری نبود.^۲

اندیشه‌های مکتب دیوبند بر آموزه‌های فقه حنفی استوار بود و به لحاظ فکری مکتب دیوبند از مکتب شیاه ولی الله الهام می‌گرفت.

آنها معتقد بودند که لازمه رهایی از بند استعمار بازگشت مسلمین به اسلام نخستین است این مکتب در آغاز از شرکت در فعالیت‌های سیاسی خودداری و از آغاز سده بیستم هنگامی که فعالیت‌های سیاسی در هند آغاز گردید پیروان دیوبند وارد صحنه‌های سیاسی شدند و در تحولات آن زمان نقش اساسی ایفا کردند. این مدرسه در حال حاضر صدها شعبه در هند و پاکستان دارد و دهها هزار نفر از این مدارس فارغ التحصیل شدند.

حرکت دیگر جنبش بریلویان است که به جنبش احمد رضا خان بریلوی معروف می‌باشد که در واکنش به جنبش محمدبن عبدالوهاب و در مخالفت با باورهای دینی شاه ولی الله و علمای دیوبند پدیدار شد احمد

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۲، علی اکبر ولایتی، ص ۱۲۹۷.

۲. همان، ص ۱۲۹۸.

رضا خان (۱۹۲۱ - ۱۸۵۶) جنبش خود را از مدرسه جامعه مظفر الاسلام، واقع در بریلی آغاز کرد و پز پایه باورهای حنفی فعالیت‌های گسترده‌ای در واکنش به حرکتها و باورهای وهابیه و دیوبندیها انجام داد.^۱

مدرسه ندوة العلماء نیز یکی دیگر از مدرسه‌های مهم مذهبی بود که در تجدید حیات مسلمانان هند موثر بود این مدرسه را گروهی از علمای میانه رو هند در سال ۱۳۱۲ قمری در لکهنو تأسیس کردند.

در سال ۱۸۹۴ به ریاست مولوی لطف الله در مدرسه فیض عام کانپور جلسه‌ای برگزار گردید در این نشست عالمان مکتب‌های فکری از جمله ابراهیم آروی (حنفی) محمد حسن تبالوی (اهل حدیث) و غلام حسین (شیعه) شرکت داشتند. که در این جلسه برای تأسیس ندوة العلماء تصمیم گرفته شد.

شبلی نعمانی مورخ و اندیشمند مشهور هندی نیز از جمله بنیان‌گذاران این مدرسه بود.

به گفته شبلی هدف ندوة العلماء دفاع از اسلام در برابر حوادث و بهبود مطالعات اسلامی و جلوگیری از خرده‌گیری‌های جدال بر انگیزه میان علماء تبلیغ ایمان و اعتقاد اسلامی و برقراری بخش قانون‌گذاری شرعی افتاء را وجهه همت خود قرار داد.

ایشان کوشید تا از طریق برجسته کردن نقش مذهبی، اجتماعی و سیاسی علماء دین را با سیاست پیوند دهد.

در مجموع ندوة العلماء کوشید برای احیاء اسلام راه اعتدال را بیامد و از افراط و تفریط دیوبند و علیگر پرهیز کند.^۲

جنبش دینی دیگری که در شبه قاره تأثیرگذار بود جنبش جماعت تبلیغی بود این جنبش با رهبری محمد الیاس کاندهلوی ۱۳۰۳ ق آغاز گردید. الیاس و جانشینان او فعالیت تبلیغی را نه تنها در شبه قاره بلکه تا اقاصا نقاط جهان گسترش داد.

سؤالات اصلی و فرعی

سلفیان شبه قاره حنفیانی هستند که تحت تأثیر اصحاب حدیث و گرایش‌های سیاسی قشری‌نگر و متحجر

۱. همان، ۱۳۰۲.

۲. همان، ص ۱۳۰۱.

بوده و محصول این پیوند «سلفی‌گری و تفکر دیوبندی» دو نیروی مهم ایدئولوژیک یعنی طالبان، القاعده و سپاه صحابه هستند.

بنابراین واقعیت، سؤال اصلی تحقیق این است:

ویژگی‌های فکری و شاخصه‌های اصلی سلفیت شبه قاره چیست؟

سؤالات فرعی تحقیق نیز عبارتند از:

۱. چگونگی ورود تفکر سلفیه به شبه قاره هند

۲. تأثیر قیام سیداحمد بارلی در گسترش تفکر سلفیه

۳. تأسیس مدرسه دیوبندیه و اثر آن در گسترش سلفیه

۴. جماعت تبلیغ و نحوه ورود آن به ایران

روش تحقیق

روش تحقیق در این رساله به صورت توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از کتابخانه است که پس از شناسایی منابع از طریق کتابخانه‌های تخصصی و عمومی و با استفاده از تجربیات عملی و تحقیقات میدانی به خاطر حضور متمادی در مناطق مورد تحقیق، مطالب مربوطه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

با توجه به بکر بودن موضوع و عدم احساس ضرورت توسط فضلالی حوزه علمیه قم، تحقیق زیادی در این رابطه انجام نشده است. فقط دو الی سه پایان‌نامه سطح سه پیرامون دیوبندیان و جنبش‌های اصلاحی در شبه قاره انجام شده ولی چاپ نگردیده است و در دسترس نمی‌باشد و چند کتاب به زبان اردو و عربی وضعیت اهل حدیث را به صورت پراکنده در شبه قاره هند مطرح نموده‌اند که امید است این اثر با همه کاستی‌هایی که دارد زمینه‌ای برای تحقیق و پژوهش بیشتر در این میدان بشود.

فصل اول:

سلفی‌گری

سلفی‌گری مکتبی است مبتنی بر بازگشت به سیره و اندیشه‌ای که به حدیث‌گرایی شناخته می‌شود، عمده ویژگی‌های این مکتب اخذ به ظواهر آیات و روایات و نفی هر گونه تفسیر و تأویل، حدیث‌گرایی افراطی، تقلید محض از رفتار و... اعمال سلف، گریز از نوآوری می‌باشد.

الف) نگاهی مختصر در تاریخچه، ریشه‌ها

منظور ما از سلفیه همان کسانی هستند که خود را به سلف منسوب کرده‌اند، آنان در قرن سوم هجری ظهور کردند و از جنبلیان بودند و چنین می‌پنداشتند که تمام آرایشان به احمد بن حنبل منتهی می‌شود. همان کسی که عقاید سلف را زنده کرد و در راه آن جنگید، سپس در قرن هفتم ظهور تازه‌ای یافتند و ابن تیمیه این گرایش را دوباره زنده کرد. و در فراخوانی به آن بسیار کوشید و مسایل دیگری به آن افزود که اوضاع آن دوران او را به اندیشیدن درباره آنها واداشته بود، سپس در قرن دوازدهم در شبه جزیره عربستان محمد بن عبدالوهاب، این اندیشه را زنده کرد. وهابیان همچنین تا امروز منادی این افکارند و برخی از عالمان مسلمان نیز با شور و هیجان به حمایت از آن برخاسته‌اند.^۱

با نگاهی به گذشته در می‌یابیم که برخی اعتقادات وهابیت مانند حرمت زیارت قبر پیامبر ﷺ و ائمه اطهار موضوع جدیدی نیست، بلکه این تفکر انحرافی در تاریخ سابقه داشته که در زیر به بعضی اشاره می‌شود.

۱. مروان حکم متوفای ۶۵

حاکم نیشابوری و احمد بن حنبل می‌گویند: مروان حکم در مسجد نبوی، ابو ایوب انصاری صحابه پیامبر اکرم ﷺ را می‌بیند که روی قبر نشسته و با ایشان راز دل می‌گوید و اظهار عشق و ارادت می‌کند. گردن او را گرفت و گفت: اتدري ما تصنع ابو ایوب به او جواب داد جئت رسول الله و لم آت الحجر سمعت رسول الله

۱. تاریخ مذاهب اسلامی، محمد ابوزهره، ص ۳۱۱.

يقول لا تبكوا على الدين اذا وليه اهله ولكن ابكوا عليه اذا وليه غير اهله، اینجا برای زیارت پیامبر آمده‌ام برای دیدار خاک و سنگ نیامده‌ام.^۱ از پیامبر گرامی ﷺ شنیدم که فرمودند: زمانی که انسان‌های شایسته در مسند حکومت نشستند، غصه ندارد، غصه و گریه روزی است که مثل تو نااهلی در مسند قدرت قرار گرفته باشد.

۲. حجاج بن یوسف ثقفی متوفای ۹۵

حجاج وقتی به مدینه آمد و مشاهده کرد که مردم اطراف قبر پیامبر ﷺ پروانه‌وار می‌چرخند گفت: تبا لهم انما يطوفون باعواد و رمة بالیه هلا طافوا بقصر امیر المؤمنین عبد الملک الا یعلمون ان خلیفة المر خیر من رسوله.^۲

مرگ بر این زیان‌کاران که بر اطراف استخوان‌های پوسیده پیامبر می‌چرخند. نستجیر بالله چرا این‌ها نمی‌روند اطراف قصر عبد الملک بگردند مگر نمی‌دانند که عبد الملک خلیفه خداست و بهتر از رسول و فرستاده خداست.

از جمله کسانی که مذهب جدیدی را پایه‌گذاری کرد عالم معروف حنبلی ابو محمد حسن بن علی بریهاری متوفای ۳۲۹ بود که زیارت قبور را منع نمود.

ایشان آنقدر در استناد به حدیث مبالغه کرد که بزرگانی مثل طبری و ابن الندیم او را از اهل حدیث شمردند، مذهب اهل حدیث و حنبلیه با ظهور اشعریه از رونق افتاد ولی به کلی منسوخ نشده پیوسته طرفدارانی داشت از جمله این افراد بریهاری بود ایشان همچنین بر پا کردن مجالس نوحه سرایی امام حسین علیه السلام و رفتن به زیارت حائر حسینی را ممنوع و دستور داد زنی از مردم بغداد به نام خلب را که در مجالس عزاداری پنهانی نوحه می‌خواند دستگیر و بکشند در حالی که شعر او کم‌ترین تعریض به سلف نداشت.^۳

شخصی دیگر از علماء حنبلی عبیدالله بن محمد بن حمدان عکبری معروف به ابن بطه که در سال ۳۸۷ هجری درگذشت، زیارت قبور و سفر برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ را جایز نمی‌دانست.

۱. نیشابوری، حاکم، مستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۱۵، کتاب الفتن و الکلام؛ هبشی، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۵، باب ولایة المناصب غیر اهلها.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۴۲.

۳. تاریخ اسلام، ذهبی، ص ۳۲۰ - ۳۲۱.

این مذهب بار دیگر در قرن هشتم توسط یکی از بزرگان این مذهب به نام احمد بن تیمیه حرانی دمشقی وفات ۸۲۷ تبلیغ و ترویج گردید و در قرن دوازدهم مذهب حنبلی به تبلیغ محمد بن عبدالوهاب و شمشیر خانواده آل سعود در جزیره العرب رواج یافت و به نام مذهب وهابی آئین قانونی آن سرزمین گردید.^۱

■ معنای لغوی سلف

کلمه سلف در لغت عرب به معنای گذشته است قوم سلاف یعنی گروهی که در گذشته می‌زیستند^۲ البته هر زمان نسبت به زمان‌هایی به قبل از آن آمده و سپری شده خلف است.

■ سلف در اصطلاح

سلفی‌ها گروهی بودند که در گذشته به همین نام شناخته می‌شدند بعضی نظرشان بر آن است که عنوان سلف فقط بر صحابه و تابعین و تابع تابعین اطلاق می‌گردد.

منشأ این قول حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ با روایتی از ابن مسعود که حضرت فرمودند: بهترین مردم مردمان قرن من هستند. سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و بعد دیگرانی که در پی آنها می‌آیند. پس از ایشان مردمانی می‌آیند که گواهی هر یک سوگندشان است و سوگند هر کدام گواهی‌شان را نقض و نقد کنند.^۳

معنی دیگر سلفی تعریف سقاف است که هیچ گونه فرقی بین سلفیت و وهابیت نیست چرا که این دو گروه دوروی یک سکه می‌باشند و هدف مشترکی را دنبال می‌کنند و دارای اعتقادات و طرز تفکر کاملاً شبیه به هم می‌باشند، لذا در داخل جزیره العرب این طایفه را وهابی حنبلی مسلک می‌نامند و هنگامی که برای تبلیغ عقاید خود به خارج اعزام می‌گردند خود را سلفی می‌نامند.^۴

شیخ محمد ابوزهره می‌گوید: سلفیان از پیروان مذهب حنبلی بودند و حتی با بعضی علمای حنبلی درگیری و مناقشه داشتند و در آن زمان سلفیه و اشاعره هر کدام ادعای مذهب سلف صالح می‌کردند و میانشان جدال‌ها

۱. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۳۰۷.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۳۳۱.

۳. انّ النبی قال: خیر الناس قرنی، ثمّ الذین یلونهم، ثمّ الذین یلونهم، ثمّ یجینی قوم تسبق شهادة احدهم یمینه و یمینه شهادته، صحیح بخاری، ۹ جلدی، ج ۵، ص ۳.

۴. سقاف، حسن بن علی، السلفیه الوهابیه، به نقل از سلفیان درگذر تاریخ، نجم الدین طیبی، ص ۱۶.

و مناقشات شدیدی پدید آمد.^۱

سلفیه با روش معتزله نیز مخالفت می‌کردند؛ زیرا معتزله در بین عقاید اسلامی به طریقه فلاسفه که از منطق ارسطویی اقتباس کرده بودند عمل می‌کردند و سلفیه می‌خواستند بیان عقاید اسلامی به همان نحو باشد که در عصر صحابه و تابعین بود.

با وجود تعاریف مختلف از سلفیت معنای روشن و قابل فهمی از آن ارائه نشده مصادیق گاه بسیار متضادند، همچنین که مفهوم سلفی در معنا دچار تضاد می‌باشد به طوری که امروزه کسی نمی‌تواند چنین ادعایی بکند اگر معنای سلفی بودن را طرفداری از اندیشه «خلوص مذهبی» و پیراستن دین از بدعت‌ها بدانیم که علاوه بر قرآن و سنت شامل سیره سلف صالح، یعنی صحابه و تابعین می‌شود بسیاری رفتارهایی که حتی فقهای وهابی انجام می‌دهند مانند استفاده از فناوری نوین که حتی در زمان سلف صالح نیز وجود نداشته است بدعت و به معنای تقابل با سلفی‌گری خواهد بود.^۲

معنای دیگر سلفی‌گری نیز رواج دارد که به بنیادگرانی چون رشید رضا منتسب است و با شعار بازگشت به سلف صالح همراه شد که بر این باور بودند که باید مردم را به اسلام ناب و پیراسته راهنمایی کرد و از تمام خرافه‌ها، بدعت‌ها و توهمات رهایی داد و با پیوند دادن این دین به کاروان پر شتاب زندگی نوین و یافتن روش‌هایی برای تمدن تازه اوضاع مسلمانان را اصلاح کرد. رشید رضا به دعوت محمد بن عبدالوهاب اهمیت داد و خود نیز از جمود سلفیه اثر پذیرفت و با این تأثیرپذیری بر نهضت دینی مسلمانان تأثیر منفی نهاد، سلفی‌گری رشید رضا موجب تمرکز افراطی او بر احادیث شد و افزون بر این که بیان‌گر اندیشه سنتی اوست، مانع از دست‌یابی او به جهان‌بینی گسترده‌تر و اندیشه‌های وحدت‌گرایانه محمد عبده و سید جمال گردید و گرایش‌های ستیزه‌جویانه وی درباره شیعه را که یادآوری ستیزه‌جویی سلفیه بود موجب شد.^۳ ایشان بازگشت به اصل یعنی قرآن و سنت به آن صورتی که خلفای راشدین و اصحاب پیامبر عمل می‌کردند یعنی بنیادهای

۱. ابوزهره محمد، تاریخ مذاهب کلامی، ص ۳۱۲.

۲. اسماعیلی، حمید رضا، القاعده از پندار تا پدیدار، ص ۲۵.

۳. همان، ص ۲۶.

اسلامی باید از مبدأ الهام گیرند تأکید نمود.^۱

نگاهی مختصر به عقاید سلفیان

الف) توحید در نگاه سلفیان

نگاه سلفیان به مسأله توحید بدان گونه است که آن را نخستین پایه اسلام می‌دانند و به اجمال با آنچه تمام مسلمانان بر توحید و وحدانیت خدا تأکید می‌ورزند موافقت دارند ولی مسائلی را منافی با یکتاپرستی فرض می‌کنند. از آن جمله:

۱. صفات خبریه

یکی از مسائلی که ابن تیمیه به عنوان پرچمدار تفکر سلفی درباره آن اظهار نظر کرده و عقیده‌ای را ابراز نموده که با مخالفت علمای برجسته مذاهب اسلامی مواجه شد مسأله صفات خبریه است. به اعتقاد ابن تیمیه باید آیات و روایات مربوط به صفات خبریه مانند: استوای خداوند بر عرش و نظایر آن را بر مدلول ظاهری آن حمل کرد و از هر گونه تأویل بر حذر بود و مدعی شد که سلف امت یعنی صحابه و تابعین نیز همین روش را داشته‌اند.

ابن تیمیه از یک سوی مدلول و مفاد ظاهری آیات و احادیث صفات خبری را می‌پذیرد و تصریح می‌کند که خدا در آسمان و بر عرش استقرار دارد و می‌توان به او اشاره حسی کرد، و از سویی دیگر برای رهایی از اشکال تجسیم و تشبیه یادآور می‌شود که کیفیت و چگونگی این صفات در خداوند برای ما معلوم نیست. ابن تیمیه در این باره می‌گوید:

«عقیده درست همان چیزی است که پیشوایان هدایت برآن‌اند و آن این است که خدای متعال فقط به اموری وصف می‌شود

که خودش خویش را بدان وصف فرموده یا پیامبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وی را وصف کرده است و مفاهیمی که از کتاب و سنت به دست

می‌آید صرفاً به سبب شبهه‌ای انکار نمی‌شود، چه این کار به منزله تغییر کلمات الهی از جایگاهشان است و از آن روی گردانده

نمی‌شود تا این عمل از باب کردار کسانی باشد که هر گاه به آیات پروردگار خود تذکر داده می‌شوند با آن ناشنوا و نابینا

۱. المراکشی، صالح، تفکیر محمد رشید رضا من خلال مجله المنار، ص ۷۷ - ۸۰.

برخورد نمی‌کنند»^۱

ابن تیمیه که خود پرچمدار مذهب سلفی‌ها است، سه پایه و اساس را پی‌ریخته است:

۱. سفر برای زیارت قبر پیامبر را بدعت و شکر دانست.

۲. توسل به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ و اولیاء الهی و تبرک جستن به آثار آنان را مخالف با توحید در

عبادت دانست.

۳. بسیاری از احادیثی را که درباره فضایل اخلاقی اهل بیت پیامبر ﷺ در صحاح و مسانید و حتی مسند

احمد بن حنبل وارد شده است مردود دانست.^۲

۲. استغاثه و توسل به غیر خدا

در نگاه اکثر مسلمانان صدا زدن یاری طلبیدن از اولیای الهی شرک نیست زیرا ملاک توحید و شرک استقلال و عدم استقلال است اگر کسی معتقد به تأثیر مستقل اولیای الهی در برخی امور باشد این کار شرک است اما اگر به این جهت به آنها متوسل شود که آنها از خدا بخواهند حاجت او برآورده شود این کار شرک نیست بلکه عین توحید است.

در دیدگاه سلفیان، هر گونه کمک خواهی و طلب فریاد رسی از غیر خدا به طور کلی ممنوع است. آنان نقل کرده‌اند که پیامبر ﷺ دیگران را از استغاثه به خود بازداشت. همچنین آمرزش نیز فقط از خدای سبحان است، بنابراین جایز نیست از غیر خدا خواسته شود که مرا بیامرز یا کمکم کن.

در این باره ابن تیمیه می‌گوید:

برای ما روا نیست که از پیامبران و شایستگان، پس از مرگشان چیزی بخواهیم، هر چند در قبرهایشان زنده باشند و اگر مقدور شده باشد که آنان برای زنده‌ها دعا کنند، باز هم برای کسی جایز نیست از آنان این دعا را بخواهد، زیرا هیچ کس از سلف چنین کاری را نکرده است و این کار، کم‌کم بهانه و دستاویزی برای شرک و پرستش آنان به جای خدا می‌شود. بنابراین نذر کردن برای قبرها یا مردگان مدفون در قبرها یا آنان که کنار قبرها می‌مانند نیز جایز نیست، بلکه این عمل حرام است، چون به

۱. حسینی عاملی، محمدامین، کشف الارتباب، ص ۱۲۹ - ۱۳۸.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، قاعدة الجلیله فی التوسل و الوسیله، ص ۱۸۶ - ۱۸۴.

نذر کردن برای بت‌ها شبهات دارد و تفاوتی نمی‌کند که نذر، روغن (چراغ) باشد یا غیر آن و می‌گوید: هر کسی معتقد باشد که

این نذرها، راه بردن حاجت‌ها به سوی خدای متعال است و این کارها موجب برطرف شدن تنگدستی و سختی و باعث

بازگشایی در روزی و محفوظ ماندن شهر و دیار می‌شود، مشرکی است که کشتن او واجب است.^۱

ابن تیمیه با این سخن خود با توده مسلمانان مخالفت کرده، بلکه درباره زیارت قبر مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با خشونت و تندى آنان را به تحدی طلبید. زیرا ایشان ممنوعیت زیارت روضه شریف را به قصد تیمن و تبرک بر ترس از بت پرستی مبتنی ساخته است، در حالی که این ترس نابجا و بی‌مورد است، چرا که اگر در این کار تقدیس و احترام به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد، در واقع تقدیس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توحید و زنده کردن توحید است، وانگهی در زیارت روضه شریفه حضرت یادآوری موضع‌گیری‌های او در صبر و جهاد و مبارزه و تلاش در راه رفعت شأن و علو مقام توحید است.^۲

اسلام در شبه قاره

شبه قاره پهناور هند امروز به سه کشور هند، پاکستان، بنگلادش تقسیم شده است.

اسلام ابتدا به سال ۴۴ قمری به وسیله مهلب بن ابی صفره از راه کابل و خیبر و بعد به سال ۹۴ قمری به

وسیله محمد بن قاسم از راه بلوچستان به سند و پنجاب رسید.^۳

اکثریت عظیمی از مسلمانان شبه قاره هند و پاکستان راستیان حنفی مذهب تشکیل می‌دهند. نخستین مسلمانان

فاتح شمال غربی هند، غزنویان حنفی مذهب بودند.

بنابر گواهی نظام الدین اولیاء در اوایل دوره تغلق‌ها فقه حنفی حتی بر احکام مبتنی بر حدیث مقدم بود. مجموعه

قوانین اداری غیاث‌الدین تغلق مبتنی بر اساس قرآن و رسوم سلاطین پیشین دهلی بود و قویاً صبغه حنفی

داشته است.^۴

۱. ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامیة، ص ۲۰۷.

۲. همان، ص ۲۰۸.

۳. عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص ۵.

۴. همان، ص ۶.

دو اثر فقهی کهن و بزرگ حنفی یعنی: ۱- فقه فیروز شاهی «کتابچه‌ای برای اداره کشور در چارچوب حکومت الهی و فتاوی تا تاریخانه مجموعه‌ای پر حجم از احکام قضایی که از لحاظ تبویب و کیفیت تألیف کتاب هدایه را سرمشق قرار داد و در سال ۷۷۷ ق توسط عالم بن علاء به تشویق و نفقه یکی از نجباء به نام تاتار خان^۱ تدوین یافته بود در روزگار فرمانروایی فیروز تغلق تألیف گردید. ۲- «فتاوی ابراهیم شاهی» اثری جامع در فقه به تشویق و حمایت مالی سلطان ابراهیم متوفی ۸۰۵ ق در جونپور فراهم آمد. هنگامی که سلطان نشین دهلی در قرن نهم، بار دیگر اهمیت و اعتباری یافت «بهلول لودی، (م. ۸۵۵ ق)، پژوهش ویژه‌ای در زمینه فقه، حنفی به عمل آورد که خط مشی قضایی و اداری کشور خود را بر اساس آن بنیان گذاشت.

مغولها (ترکانی سنی و حنفی مذهب از آسیای مرکزی بودند) در روزگار فرمانروایی آنها مکتب حنفی بر جای ماند و به عنوان آیین رسمی مسلمین هند به رشد خود ادامه داد.^۲

با استمرار و تثبیت مکتب حنفی که با پژوهش‌های عبدالحق محدث دهلوی تقویت شده بود علی‌رغم اینکه ایشان با سه فرقه تصوف آشنایی حاصل کرده بود بر اولویت شریعت بر طریقت تکیه می‌کرد.^۳

حکومت هند توسط اورنگ زیب ۱۱۱۸ - ۱۰۶۹^۴ امپراطور مغول بار دیگر به عنوان حکومتی الهی اداره شد و در عصر فرمانروایی و تحت فرمانروایی و توجهات وی فتاوی عالمگیری سومین مجموعه بزرگ از احکام فقهی تألیف گردید. این کتاب که در خارج از هند به فتاوی هندی مشهور است توسط نظام الدین برهانپوری و ۲۴ تن از علمای دیگر تهذیب شده و از شیوه کهن احکام فقهی تبعیت کرده است.

مطالعات اعتقادی در هند

در زمینه مطالعات کلامی سهم هند در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی ناچیز و بیشتر دارای اهمیت منطقه‌ای بود تا شهرتی جامع و عالمگیر.

۱. محمد تاتار خان دولت گجرات را در سال ۸۱۸ هجری تأسیس کرد.

۲. عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص ۶.

۳. همان، ص ۷.

۴. ابوالمظفر محیی الدین محمد اورنگ زیب و معنی اورنج، عرش، زیب زینه، یعنی زینت، عرش تاریخ الاسلام فی الهند، دکتر عبدالمنعم النمر، ص ۳۴۱.

مطالعات کلامی در منطقه عربی سند، با ورود ابو حفص اسدی بصری متوفی ۱۶۴ هجری یکی از نخستین ثقات در علم حدیث آغاز گردید.

اولین دانشمند اهل سند که در زمینه مطالعه حدیث به شهرت رسید، ابومعشر سندی بود.^۱ در لاهور عصر غزنویان مطالعه در تفاسیر قرآن و حدیث توسط شیخ اسماعیل بخاری (متوفی ۴۵۰ هجری) معمول گردید. گروهی از متکلمان برای فرار از یورش مغولان در خلال قرن هفتم به دهلی هجرت کردند از زمره متکلمین دوران حکومت بلبن، برهان الدین بلخی و شرف الدین لاواجی می‌باشند که سخت مورد احترام بلبن بودند هر چند که وی گاهی از اوقات هم به خاطر مصالح حکومت به نصایح آنها وقعی نمی‌گذاشت. در میان آثار کلامی کهن، کتب غزالی موقعیت بی‌چون و چرایی داشت و هدایت‌گرایش‌های عرفانی را به بستر اسلام اشعری تضمین می‌کرد.^۲

در هند عصر فرمانروایی سکندر لودی ۹۲۳ که در بارش علمای دینی سایر بلاد اسلامی را بگرمی پذیرا بود جریان مذهب رسمی و همچنین روش‌های کلامی تقویت گردید.

عمده‌ترین این دانشمندان یکی رفیع الدین سلامی از مریدان دوانی بود که مطالعه انتقادی حدیث را در مدارس معمول داشت و راه را برای عبدالحق دهلوی هموار ساخت.^۳

دیگری عبدالله تولنبی عقلی مذهب است که سکندر لودی گاهگاهی در مجالس و عظ وی حضور به هم می‌رسانید در دکن و گجرات، مطالعات کلامی با یمن و حجاز ارتباط و تماس نزدیکی پیدا کرده بود.

در علم کلام، گجرات با شیوه‌های تحقیقی حجاز و بویژه توسط دانشمندان مثل عبدالوهاب متقی که به آنجا رفت و آمد می‌کرد، نزدیک شد و از آن متأثر باقی ماند.

همچنین در گجرات دانشمندان مثل شیخ علی مهایی در قلمرو تفسیر و حدیث پرورش یافتند یک خانواده عرب یعنی العیدروس که در احمدآباد سکونت اختیار کرده بودند با دانشمندان عرب در تماس مستمر

۱. عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی، ص ۷؛ ابومعشر نجیح بن عبدالرحمن السندی متوفی ۱۷۰، در بغداد از نزدیکان مهدی و هارون الرشید بود و کتاب المغازی را تألیف کرده است.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۰.

باقی ماندند و برخی از آنها را به گجرات فراخواندند.

وضع مسایل کلامی و پژوهش‌های وابسته به آن، پیش از آمدن مغولان بدین منوال بود، اما روی هم رفته پایه‌های ضعیفی داشت.^۱

در عرصه علوم الهی تمامی آنچه که آنها می‌توانستند انجام بدهند تداوم تدریجی سنت «تقلید» بود. اینان کلاً بر ظواهر تکیه می‌کردند و حتی در زمینه فقه اسلامی نیز از افتتاح باب تازه‌ای عاجز بودند مدارس دینی تا اندازه‌ای جنبه حرفه‌ای به خود گرفته بود، این مدارس توسط حکومت یا مؤسسات خیریه خصوصی اداره می‌شد و برای دولت به تربیت قاضی، مفتی، حاکم شرع، فقیه اقدام می‌نمود.

حرفه‌ای شدن علمای دینی تا حدودی توانایی ارشادی اسلام را در قرون نه و ده هجری بتدریج تضعیف کرد و این تا حدودی بروز تعدادی از بدعت‌های مذهبی را منجر شد.

دو قرن متعاقب از هم پاشیدگی صوفیان چشتیه که بر اثر فشار محمد بن تغلق صورت گرفت، تا آنجا که به اسلام در هند مربوط می‌شود با خلأ معنوی مواجه بود، از یک طرف نیروی معنوی دو فرقه چشتیه و سهروردیه رو به انحطاط گذاشت و فرقه‌های قادریه و نقشبندیه که می‌بایست در قرن یازدهم به هند مسلمان نیروی معنوی تازه‌ای بدمد به طرز مؤثری وارد صحنه نشد.^۲

از طرفی علمای حنفی هند به پست‌ترین مراحل تزویر و فروش مدارج و مزایای مذهبی و حرص و آز و فساد فرو رفتند این خلاء در قرن دهم هجری به پیدایش و رشد تفکر شیعی میدان داد و علمای صاحب نفوذ آن زمان مثل شیخ گدایی، مخدوم الملک و شیخ عبدالنبی با شیوه‌های مخالف جریان سنی‌گری در رواج تشیع و زبان و فرهنگ ایرانی در هند تلاش نمودند.

مسئولیت این اوضاع، توسط مسلمانانی دارای عقاید و نظریات متفاوت، از قبیل بدائونی مورخ، شیخ احمد سرهندی عارف و خود اکبر شاه به حق بر دوش علمای سوء گذاشته شده است.

در این زمان مهاجرت تعدادی از علما به حجاز آغاز گردید از میان علمای مهاجر هندی که به حجاز رفتند سید

۱. همان، ص ۱۱.

۲. همان، ص ۱۲.

علی متقی از همه برجسته‌تر بود که حوزه اصلی مطالعات او مثل ابن حجر، حدیث بود. شاگرد او عبدالوهاب متقی که او نیز در مکه می‌زیست، استاد عبدالحق دهلوی دانشمند مذهبی هندی عصر اکبر شاه به شمار می‌رفت. و عبدالحق دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲) هجری نیز هنگامی که در سال ۹۹۶ هجری به حجاز رفت در واقع به هجرتی معنوی اقدام کرد و سپس به هند برگشت در آنجا بود که جنبش تجدید مذهب تسنن در هند و برقراری مجدد مقام پیامبر ﷺ در برابر علمای شیعه را از طریق مطالعه انتقادی و تعبیر سنت نبوی آغاز کرد. عبدالحق اساساً یک متکلم بود که از چند فرقه صوفیه تعالیم معنوی نیز فرا گرفته بود و یک متکلم مسلمان قبل از شاه ولی الله در قرن دوازدهم به حساب می‌آید.

تاریخ تفکر تشیع در شبه قاره

امروزه در مطالعاتی که صورت می‌گیرد، کم‌تر به شیعیان و نقش آنان در شکوفایی و اعتلای فرهنگ اسلامی پرداخته می‌شود و حتی سهم آنان در رشد علوم، در شبه قاره نادیده گرفته می‌شود. در نتیجه هنگامی که محققان درباره دین اسلام دست به قلم می‌برند توجه آنها منحصرأ به متفکران سنی معطوف است و وقتی که از تحول قوانین اسلامی بحث می‌کنند منظورشان همان تحول فقهی در اسلام اهل سنت است و شیعه را در تفکر اسلامی قرون وسطی تعیین کننده نمی‌دانند.^۱

شیعه در شمال هند

از جمله سرزمین‌هایی که تشیع در آن نفوذ کرد قاره هند بود درباره ورود مذهب شیعه به هند، و سیر این مذهب در آن دیار، علامه شیخ محمد حسین مظفر نجفی در کتاب «تاریخ الشیعه» می‌گوید: در روزگار امیرالمؤمنین علی علیه السلام سربازان مسلمان به جانب سند شتافتند و پیروز بازگشتند... بار دیگر غازیان مسلمان، در روزگار امویان، چندین نوبت به سوی هند رفتند و پاره‌ای از این سرزمین‌ها را گشودند و برخی از شاهان هند مسلمان شدند، تا به دوره حکومت عباسی در این دوره بود که نفوذ عباسیان در آن نواحی گسترش یافت و خوب می‌دانیم که

۱. هرلیستر، جان نورمن، شیعیان هند، ترجمه دکتر آزر میدخت، ص ۱۱۱.

برخی از والیان و امیران و فرماندهان و سپاهیان که به آن سرزمین اعزام می‌شدند از گروندگان به خاندان پیامبر بودند همین امر باعث گشت تا مذهب تشیع در آن سرزمین‌ها نشر یابد. بنابراین روحیه تشیع و پیروی از آل محمد علیهم‌السلام و اعتقاد به ایشان از همان روزگاران قدیم در میان آن سرزمین‌ها و کسانی که به آنجاها می‌رفته‌اند وجود داشته است. به دلیل اینکه یکی از سلاطین هند نامه‌ای به خدمت حضرت امام صادق علیه‌السلام نوشت و در آن نامه یاد کرد که به برکت امام هدایت یافته است همراه نامه هدیه‌ای چند نیز خدمت امام صادق علیه‌السلام فرستاده بود.^۱

آقای شیخ عزیز الله عطاردی خراسانی نیز شرحی درباره سیر اسلام در هند مرقوم داشته است. در این نوشته نیز اشاره شده است به چند سلسله از ملوک اسلامی شیعی هند، تا اودیان نیشابور و رفتن نیاکان میرحامد حسین به هند.

۱. همان، ص ۱۱۲.